

شرق روزنامه

حرفه

روش‌های کاهش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روزنامه‌نگاری

امروزه خبرها به‌سرعت باد تازه می‌شوند. هنوز خبر فاجعه نیس فرانسه در صدر است که کودتا در ترکیه روی سرخط خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. بخشی از گزارش‌ها و خبرها بر پایه آنچه شهروند خبرنگاران تولید می‌کنند، منتشر می‌شود. برخی دیگر نیز نتیجه چیزی است که روی شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. از آنجاکه هر دو این فضاها با استانداردهای روزنامه‌نگاری و انتشار خبر فاصله دارند، هرچه اخبار بیشتر و با سرعت بالاتری در اختیار مردم قرار می‌گیرند، نگرانی بابت صحت‌وسقم آنها نیز بیشتر می‌شود.

با وجودی‌که به نظر می‌رسد در دوره شبکه‌های اجتماعی اثرگذاری روزنامه‌نگاران و رسانه‌های رسمی کم‌وکمتر شده است، اما با توجه به گستردگی و تأثیرگذاری این شبکه‌ها، حضور روزنامه‌نگاران به‌مراتب مهم‌تر شده است. اینکه سوزۀ اشتباهی بارهاوبارها ریتویت شود، آن‌قدر خطرناک است که نه‌فقط اهمیت روزنامه‌نگاری را کمتر نمی‌کند که نقش پررنگ‌تری به آن می‌دهد. هنگامی‌که با خبری مواجه می‌شویم نخست از خود می‌پرسیم آیا این پدیده درواقع رخ داده است؟ آیا منبع خبر موثق بوده؟ و درنهایت اینکه آیا ما قسم خورده‌ایم از آن استفاده کنیم و به آن اهمیت دهیم؟ درواقع اینجاست که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای از روزنامه‌نگاری شهروندی منفک می‌شود. اینکه در مطلب منتشرشده یک خبرگزاری رسمی یا روزنامه اطمینان وجود دارد و به آنچه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، نمی‌توان به‌سادگی اطمینان کرد.

در بسیاری موارد در شبکه‌های اجتماعی دیده شده از عکسی در جای دیگری استفاده شده یا خبر به‌کل کذب بوده است. باید این نکته را در نظر داشته باشیم هنگام انتشار سریع اخبار، دقت و صحت تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. اما چگونه می‌توان بر این معضل غلبه کرد؟ درواقع این نوشته می‌کوشد روش‌هایی را برای راستی‌آزمایی آنچه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، به دست دهد.

فهرستی از منابع قابل اعتماد داشته باشید

روزنامه‌نگاران آزاد، خبرنگاران، منابع رسمی، خبرگزاری‌ها و شهروندخبرنگاران لازم است فهرستی از اکانث‌های منابعی را همراه خود داشته باشند تا بتوانند صحت‌وسقم خبرهای فوری را با آنها چک کنند. به‌رحال، اینکه خبری از چند منبع بررسی شود، مطمئن‌تر است. در بسیاری از شبکه‌های اجتماعی استفاده از هشتک‌ها می‌تواند دسترسی ما به ابعاد گوناگون یک خبر در رسانه‌های مختلف را ساده‌تر کند.

شک کنید

درباره هرآنچه در شبکه‌های اجتماعی می‌بینید صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن را منتشر کرده یا منبع خبر کیست، شک کنید. هنگامی که خبری در شبکه‌ای مانند توئیتر منتشر می‌شود، وسوسه باورکردن و بازنشر آن بسیار شدید است. بااین‌حال، در چنین شرایطی مهم این است آرام باشیم و منابع دیگر را بررسی کنیم. با بررسی و مقایسه اخبار گوناگون است که می‌توانیم تا حدی درباره صحت خبر منتشرشده مطمئن شویم. برای تشخیص قلابی یا کذب‌بودن خبر می‌توان به برخی سایت‌ها رجوع کرد. در منابع انگلیسی سایت‌های چک‌دسک و اسنوپوز می‌توانند مفید باشند. درباره مکان‌ها و تشخصی درستی آنها می‌توان از گوگل مپ استفاده کرد. ویکی‌مپیا نیز ابزاری قابل اتکا به حساب می‌آید. برای تشخیص تاریخ و زمان نیز راه‌های متعددی وجود دارد. یکی دیگر از روش‌هایی که می‌توان صحت یک خبر را سنجید، استفاده از امکان‌هایی است که وضع هوا را در جغرافیای موردنظر نشان می‌دهند. درباره تشخیص هویت یک فرد نیز همه امکان‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی را چک کنید. فیس‌بوک، لینکدین و… می‌توانند منابع خوبی برای چک‌کردن پروفایل افراد باشند.

دقیق باشید

در وقایعی مانند بلایای طبیعی و حوادث تروریستی بهتر است درباره تعداد آسیب‌دیدگان، مجروحان و کشته‌شدگان دقیق باشیم و درباره گزارش‌کردن این تعداد کمی وسواس نشان دهیم.

بارها دوباره خوانی کنید

هنگامی که واقعه‌ای رخ می‌دهد و ما به‌عنوان شهروندخبرنگار از آن مطلع می‌شویم، این وسوسه با ماست که فوراً آن را روی شبکه‌های اجتماعی بفرستیم. اما واقعیت این است در این لحظات احتمال خطای ما بسیار بالاست. بهتر است متن موردنظر بارهاوبارها خوانده و بعد روی شبکه‌های اجتماعی فرستاده شود. گاهی اوقات خطاهایی که بابت انتشار سریع اخبار رخ می‌دهد به‌سختی قابل تصحیح هستند.

ضبط کنید

بهرتر است همراه آنچه درباره واقعه در دست دارید، فایلی از صدای ضبط‌شده همراه خود داشته باشید. شما درباره آنچه منتشر می‌کنید، مسئول هستید و بهتر است صدای منابع خبری‌تان را داشته باشید.



نگاه

روزنامه‌نگاری در ۴ فیلم خارجی

تصویری که در فیلم‌های آمریکایی به‌عنوان بزرگ‌ترین پایگاه صنعت فیلم‌سازی در جهان، از روزنامه‌نگار وجود دارد، بسیار بیشتر از فیلم‌های ایرانی واقعی و قابل قبول است. در هالی‌وود تیپ روزنامه‌نگار به‌عنوان کسی معرفی شده که همیشه مزاحم افراد است، دنبال قربانیان تا دم در خانه‌های‌شان می‌رود و خیلی خونسرد با مصائب اجتماعی برخورد می‌کند. اما در بسیاری از شاهکارهای سینمای آمریکا، روزنامه‌نگاران از این تیپ فراتر رفته‌اند و به شخصیت‌هایی ماندنی تبدیل شده‌اند. یکی از مشهورترین فیلم‌های آمریکایی کلاسیک دربارۀ روزنامه‌نگاری «همشهری کین» (۱۹۴۱) ساخته اورسن ولز است. در این فیلم، فاستر کین روزنامه‌نگاری است که به‌تدریج خود مدیر روزنامه می‌شود و با استفاده از ارتباطات و نفوذی که به واسطه حرفه‌اش در ساختار سیاسی و اقتصادی آمریکا به دست می‌آورد، جایگاه بالایی پیدا می‌کند و در انتخابات نیز شرکت می‌کند. این فیلم به‌خوبی، نشان‌دهندۀ جاه‌طلبی‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی روزنامه‌نگاران و مدیران روزنامه‌ها از جایگاهشان است. فیلم دیگری که سوبه‌های متناقض روزنامه‌نگاران را نشان می‌دهد، فیلم «صفحه اول» (۱۹۷۸) ساخته بیلی وایلدر است. در این فیلم، وقت‌گذرانی‌های واقعی روزنامه‌نگارانی که می‌خواهند صحنه اعدام یک تبهکار را پوشش دهند و تقلب‌ها و تلاش‌های آنها برای رقابت با دیگر همکارانشان به‌خوبی نشان داده شده است. در همین فیلم، سردبیر روزنامه‌ای که می‌خواهد با انعکاس خبر اختصاصی اعدام، فروش روزنامه را افزایش دهد، با نیرنگ و دروغ، خبرنگاری را که همان روز بازنشسته شده بود، به پوشش خبری اعدام وامی‌دارد و درنهایت نیز در انتهای فیلم مشخص می‌شود در آینده استاد اخلاق روزنامه‌نگاری یکی از دانشکده‌های روزنامه‌نگاری شده است. اما فیلم‌هایی هم هستند که با اینکه چهره روزنامه‌نگاران را صادق‌تر و مسئولانه‌تر به نمایش گذاشته‌اند، اما به جزئیات حرفه روزنامه‌نگاری توجه نداشته‌اند و از فضای کارهای روزمره یک روزنامه‌نگار دور نشده‌اند مانند فیلم «همه مردان رئیس‌جمهور» (۱۹۷۶) ساخته آلن پاکولا درباره رسوایی واوترگیت که شنود عوامل کاخ سفید در دفتر انتخاباتی حزب دموکرات بوده است. در این فیلم، دو خبرنگار برای کشف جزئیات این رسوایی تلاش می‌کنند و زندگی روزمره آنها نه با کارهای احساسی و شعارگونه برای به هریرختن کل ساختار مبراه است و نه در فیلم آنها افرادی ساده‌لوح نشان داده می‌شوند که از تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های روزمره خود نیز عاجزند. در فیلم «همه مردان رئیس‌جمهور»، خبرنگاران به‌تدریج از یک بسته اطلاعاتی به بسته اطلاعاتی دیگر حرکت می‌کنند و برای آنها کلیتی ساخته می‌شود که درنهایت می‌توانند به‌عنوان یک گزارش‌تحقیقی به خوانندگان خود ارائه کنند. البته خود واقعه تاریخی واوترگیت به دلیل هیجانی که دارد، فیلم را نیز تا حدی هیجان‌انگیز کرده، اما روزنامه‌نگاران را افرادی هیجان‌زده و بدون تحلیل از وقایع روز نشان نداده است. فیلم «اسپايت لايت» (۲۰۱۵) به کارگردانی تومان مک‌کارتی نیز درباره تلاش یک گروه روزنامه‌نگار برای گزارش تجاوز تعدادی از مقامات مذهبی مسیحی به کودکانی در شهر بوستون است. این گروه روزنامه‌نگار نیز با جزئیاتی که در فیلم به نمایش گذاشته می‌شود، در حال تلاش برای فاش‌کردن یک واقعیت تصویر می‌شوند.



عکس: امیر حبیبی، شرق

گفت‌وگو با فریدون صدیقی درباره شخصیت روزنامه‌نگاران و حرفه روزنامه‌نگاری در فیلم‌ها و سریال‌های داخلی

بازنمایی غیرواقعی چهره روزنامه‌نگار ایرانی

نگار حسینی

برای مثال، از پزشکان در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی وجود دارد؟ چهره واقعی پزشک در اتاق عمل است و هرگز دیده نمی‌شود. برای اینکه از یک مصونیت برخوردارند. درباره مهندس و پرستار و… هم به همین شیوه است. یادم می‌آید هنگامی که فیلم «شوکران» اکران شد، پرستاران به نقش هدیه تهرانی در آن فیلم اعتراض کردند و گفتند که این نقش چهره پرستاری را مخدوش کرده است. در سینما دنبال بازگویی و بازآفرینی واقعیت‌های بیرونی هستیم درحالی‌که کارگرد سینما بازآفرینی واقعیت به شکلی است که کارگردان می‌خواهد. هر فیلم و هر اثری منطق خود را دارد. این منطق، هدیه تهرانی را در نقش پرستار سیکاری قرار می‌دهد در حالی که این ممکن است با منطق جامعه هماهنگ نباشد. متأسفانه در فیلم‌های ایرانی، افراد به‌عنوان تیپ مورد بررسی قرار می‌گیرند و خیلی دیر به شخصیت نزدیک می‌شوند. هنوز هم در فیلم‌ها و سریال‌ها قصاب با لنگ و پیش‌بند و ساطور نمایش داده می‌شود و… رفتار حتما باید نارنجی بیوشد… شخصیت‌هایی که در فیلم‌ها و سریال‌ها نمایش داده می‌شوند معمولاً مابازاری بیرونی ندارند چون شامل یک‌سری ممیزی‌ها می‌شوند. در حدود ۱۵ سال پیش سریالی نمایش داده می‌شد که آقای مطلوبی کارگردان آن بود. در آن سریال دفتر یک نشریه هفتگی نمایش داده می‌شد. همان موقع عده‌ای معترض بودند که این سریال در حال مخدوش‌کردن چهره روزنامه‌نگاری است. درهرحال، اینکه افراد در سریال‌ها و فیلم‌ها معمولاً در تیپ باقی می‌مانند و کمتر تبدیل به شخصیت می‌شوند و نمی‌توان جراحی حرفه و شخصیت حامل یک حرفه را نشان داد، فضا را غیرواقعی می‌کند. مثلاً در واقعیت می‌دانیم ممکن است یک قاضی پول بگیرد، اما در سریال‌ها و فیلم‌ها آن را نمایش نمی‌دهیم.

آیا تمامی تصویری که درباره روزنامه‌نگاری وجود دارد، ساخته و پرداخته فیلم‌نامه‌های ضعیف و ناقص است؟

 	 	 	 	 	
بخشی از این اعتمادداشتن به پاسخ‌گونیودن رسانه‌ها برمی‌گردد. بخشی دیگر این است که ارتباط جامعه و رسانه عینی نیست. این ارتباط وقتی معنادار است که شکل عینی به خودش بگیرد. درواقع لازم است درخواست و مطالبه جامعه در روزنامه طنین داشته باشد و مخاطب خود را در رسانه ببیند. نتیجه این می‌شود که تعامل بینابینی و قضاوت بیرونی مخاطب چندان واقعی نیست					

درباره روزنامه‌نگاری و در فضای زبستی ما، آنچه به‌عنوان روزنامه‌نگاری در فیلم‌ها و سریال‌های ما تولید و عرضه و بروز داده می‌شود، متأثر از فضای آرتستیست روزنامه‌نگاری در غرب است که ما را در قضاوت دچار خطا می‌کند. فضای زیست رسانه‌ای ما با فضای زیست رسانه‌های غربی متفاوت است. روزنامه‌نگاران در آن جامعه در جاهایی و در موضوعاتی می‌توانند اقدام به کنکاش و جست‌وجو و رمزگشایی کنند که در ایران یا این فضاها وجود ندارد یا بسیار محدود است. به‌گمانم فقط در دو حوزه رسانه‌ای می‌شود در ایران تقلا کرد: یکی ورزش فوتبال است و دیگری فضای زیست شهری مثل دست‌اندازهای خیابان و… البته پیش از انقلاب همین بود، حالا هم. در این دو حوزه می‌چرخیم و می‌گردیم و به دلایلی در حوزه‌های دیگر نمی‌توان ورود کرد.

کار روزنامه‌نگار را زگشایی از پوشیده‌هاست. اما در ایران چنین کارکردی معنا ندارد. طبیعی این است فیش‌های حقوقی از سوی روزنامه‌نگاران افشا شده باشد، اما واقعیت این است در کشمکش‌های سیاسی فاش شده‌اند. ماجرای گوشه‌ت‌های آلوده و مواردی از این‌دست در دعواهای درون‌گروهی و درون‌جراحی فاش شده است. روزنامه‌نگار ما هیچ رازی را برملا نمی‌کند. این فضا با فضای بیرون فرق دارد. غرب خالق رسانه بوده است و رادیو و تلویزیون و روزنامه به آنها تعلق داشته و بعدها به ما رسیده است. قدرت داستان‌سرایی در غرب قوی‌تر و پویاتر است برای اینکه سینما هم مال آنهاست. آنها می‌توانند فیلمی بسازند که بازیکران درواقع قابل درک باشند. چرا؟ برای اینکه فیلم‌نامه‌نویس یک کار تحقیقی انجام می‌دهد. مشاوره می‌دهند و در آن فضاها زندگی می‌کنند. دختر من سال‌هاست در آمریکااست. در ایران مترجم بود. سال‌ها پیش کارتی را از ماهنامه فیلم گرفتم و به او دادم. با آن کارت که تا یک سال اعتبار داشت، با تخفیف، درهای سینما به روی او باز می‌شد. اما برای ما، اینجا کارت خبرنگاری فقط کارکرد گرفتن طرح ترفایک دارد. می‌خواهم بگویم این دو تفاوت در این دو جامعه وجود دارد. ضمن اینکه در جامعه غربی به دلایل دیگری روزنامه‌نگار در هرم طبقه اجتماعی صنف و حرف در راس هرم

به‌نظر می‌رسد جامعه ایرانی تصویری فانتزی و کمتر نزدیک به واقعیت از رسانه و خبرنگاران دارد. تصویری که به‌طور معمول در این حوزه منتشر می‌شود، میان دو قطب در رفت‌وبرگشت است. با روزنامه‌نگار فردی مانند آنچه در سریال «شهرزاد» نمایش داده شده، شهروندی رمانتیک است که تنها کافه می‌رود و شعر می‌خواند یا آن‌قدر قدرتمند است که می‌تواند به‌تنهایی ساختارهایی را جابه‌جا و تغییراتی ایجاد کند. البته با توجه به اینکه تصویر شاغلان در دیگر حرفه‌ها نیز در نگاه بخش قابل‌توجهی از فیلم‌نامه‌نویسان به واقعیت نزدیک نیست، نمی‌توان انتظار داشت تصورات جامعه از روزنامه‌نگاران نیز که بیش از همه تحت‌تأثیر فیلم‌ها و سریال‌های نمایش داده‌شده شکل گرفته، چندان واقعی باشد. بااین‌همه، درباره دلایل این برداشت با «فریدون صدیقی»، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری که زمانی منتقد فیلم بوده، گفت‌وگو کرده‌ایم.

آیا به اعتقاد شما چرا کمتر تصویری نزدیک به واقعیتی درباره فضای کار روزنامه‌نگاران در ایران وجود دارد؟ آیا کمبود اطلاعات در این زمینه مشابه کمبود اطلاعات درباره دیگر حرفه‌ها و مشاغل است؟
بخشی از دلایل این پدیده به فرهنگ عمومی جامعه و نسبت آن با روزنامه‌نگاری برمی‌گردد. تعامل موجود میان جامعه و فضای رسانه، تعامل دیرپایی نیست. با وجودی که بیش از صد سال از حضور روزنامه در ایران می‌گذرد، اما عادت عمومی خواندن هنوز در میان جامعه ایجاد نشده و کتاب و روزنامه در سبد روزانه مردم نیست. دلایلی در این میان وجود دارد که موجب شده این نسبت، متوازن و واقع‌بینانه نباشد. پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در ادوار مختلف این ذهنیت جامعه نسبت به روزنامه‌نگاری دستخوش اتفاقاتی شده و نامتعادل بوده است. به‌گمانم تعامل میان جامعه و روزنامه‌نگاری، تعامل مخدوشی بوده و این موجب شده است اعتماد به روزنامه‌نگاری از سوی جامعه از بین برود. درواقع، روزنامه‌ها نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی نیاز مخاطبشان باشند. البته در سال‌های اخیر روزنامه‌های دیداری و شنیداری هم در مخدوش‌شدن این تعامل و ایجاد این داوری در عموم مردم، نقش داشته و آسیب‌زا بوده‌اند. بخشی از این اتفاق به نداشتن تعادل و اعتماد مخاطب برمی‌گردد؛ یعنی اعتماد به اطلاعات و دانشی که رسانه توزیع می‌کند. این اعتماد در ادوار مختلف دستخوش آسیب‌هایی بوده و در مواردی از بین رفته است. به نظر می‌رسد امروزه فقط دو بخش یا دو حوزه در رسانه‌ها برای مخاطب قابل درک و باورپذیرند: یکی صفحه حوادث و یکی صفحه آگهی‌های تسلیت. این دو حوزه از این لحاظ قابل باورند که محل و مکان و موضوع در آنها مشخص است و این آنها را قابل‌اعتمادتر از بقیه حوزه‌ها می‌کند. درواقع یکی انتظارات از سوی مخاطب بوده است و شنیداری هم در رسانه نمی‌بیند، یعنی رسانه محلی برای ابراز خواسته‌های جامعه و شکلی از پاسخ‌گویی که از مسئولان انتظار می‌رود، نیست. در دوره‌هایی این اتفاق افتاده است و از آنجا که مردم می‌توانسته‌اند مطالبات خود را در رسانه‌ها ببینند، طالب آن بوده‌اند. من زمان‌هایی را به یاد می‌آورم که برای خرید روزنامه صف‌های طولانی و متعدد شکل می‌گرفت درحالی که اکنون چنین چیزی دیده نمی‌شود.

بخشی از این اعتمادنداشتن به پاسخ‌گونیودن رسانه‌ها برمی‌گردد. بخشی دیگر این است که ارتباط جامعه و رسانه عینی نیست. این ارتباط وقتی معنادار است که شکل عینی به خودش بگیرد. درواقع لازم است درخواست و مطالبه جامعه در روزنامه طنین داشته باشد و مخاطب خود را در رسانه ببیند. نتیجه این می‌شود که تعامل بینابینی و قضاوت بیرونی مخاطب چندان واقعی نیست و هنگامی که سالی یک بار در نمایشگاه مطبوعات روزنامه‌نگاران، روزنامه موردعلاقه‌اش را می‌بیند، تعجب می‌کند. درواقع واقعیت با تصویری که در ذهن مخاطب ایجاد شده تفاوت دارد. می‌خواهم بگویم به طور معمول، تعامل شکل واقعی به خود نمی‌گیرد چون اعتماد و شناخت ندارد و فضای شناخت فراهم نشده است.

آگمان‌های کم‌کم این دیدگاه بیشتر به دوران پیش از شبکه‌های اجتماعی بازمی‌گردد. در عصر گسترش این شبکه‌ها و با توجه به اینکه روزنامه‌نگاران به شکل فراگیر در این شبکه‌ها حضور دارند، چرا هنوز هم تصور درباره کار روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران کمتر مبتنی بر واقعیت است؟

این تصور غیرواقعی است؛ به این دلیل که متأسفانه بخشی قابل‌اعتنایی از شخصیت صنف مختلف و اقشار مختلف جامعه هنگام بازنمایی یا بازآفرینی واقعیت، مشمول سانسور می‌شوند. نخستین آسیب‌ها بابت همین سانسورها ایجاد می‌شود. در اینجا می‌خواهم بگویم درست است چهره‌ای واقعی از روزنامه‌نگار دیده نمی‌شود، ولی آیا تصویری واقعی